

رنج خاک

پیرمرد در کنار پسرانش ایستاده بود و خطاب به وزیر کشاورزی می گفت: "من برنده شدم".

حاج خیرالله فلاح که ۶۴ بهار را پشت سر گذاشته و بسیاری از اوقات سال را در مسکین آباد کرج می گذراند، ۵۰ پاییز، بذر گندم در زمین پاشیده است. او یک نسل تجربه گندم کاری را به همراه دارد.

فلاح در سال ۱۳۶۳ با تولید ۵ تن گندم در هکتار، به عنوان کشاورز نمونه برگزیده شده است و امروز با تولید ۸/۷ تن گندم و فردا...

خودش می گوید: "در سال آینده ۱۰ تن گندم در هکتار تحویل می دهم و اگر گریدر و امکانات ضروری دیگر تامین شود، ۱۲ تن، قول می دهم باور کنید.

ما شاهد بودیم که گندم برداشت شده از یک هکتار را توزین کردند: ۵ تن... شش تن... هفت تن... هشت تن... عاقبت عقربه های باسکول روی ۸ تن و ۷۰۰ کیلو توقف کرد. او معتقد است سال آینده، عقربه ها به عدد ۱۰ می رسند ده تن در هکتار.

... و نام آوران، کسانی هستند که در مصاف با زمین، با مشکلات کمی آب، کود و سم بیروز شده اند، نام آوران درجای، جای این کشور پهناور حضور دارند و افتخار می آفرینند.

خیرالله فلاح گرچه تنها فرد از این دسته نیست، اما یکی از معدود افرادی است که مصرف سرانه گندم حدود ۴۰۰۰ نفر از هموطنان خود را در سال جاری تولید کرده است و نسبت به میانگین برداشت کشور (حدود ۲ تن گندم در هکتار)، ۵۰۰ درصد بیشتر گندم برداشت کرده است. فلاح زمانی که از جوانی و کشاورزی آن زمان سخن می گفت مطالبش بیانگر این بود که عمری را با موفقیت و برداشت محصولات کشاورزی به میزان زیاد سپری کرده است، توجه کنید:



ادامه تحصیل در رشته داروسازی عازم فرانسه شد، اما هنگام انقلاب و همزمان با بازگشت آقا (حضرت امام "ره") به وطن بازگشت. آخرین پسرم حسین هم مدتی است به کار کشاورزی مشغول شده است. خلاصه مزرعه به صورت خانوادگی اداره می شود و ما همگی با هم به صورت جمع المال زندگی می کنیم.

در مدت زمان انجام فعالیت های کشاورزی، چه محصولاتی کشت می کردید، و چند سال بدعنوان کشاورز نمونه انتخاب شدید؟

قبلاً جغندر و سیب زمینی هم تولید می کردیم، سالهای سال است که به کمک فرزندانم، افتخار دارم ارقام بالایی از محصولات را تولید کنم. یادم هست در



در ۱۴ سالگی برای ارباب کار می کردم، نیمه کاری می کردم، در ۱۹ سالگی و بعد از خدمت نظام، قطعاً زمین نسبتاً وسیعی را از اوقاف اجاره کرده، به کار تولید محصولات کشاورزی پرداختم. پیرمرد، در نیمه راه حکایت جوانی، به پسرانش اشاره می کند، چهار جوان و شریک در زندگی پدر.

۶۰ نتیجه، نوه، فرزند، عروس و داماد فلاح با اشاره به فرزندان می گوید: تا زمانی که فرزندانم علاقه مند به تحصیل بودند، از هیچ کوششی برای آنها دریغ نکردم. همگی دیپلم گرفته اند، موسی (پسر ارشد) از سال ۱۳۴۹ و خضرالله از سال ۱۳۵۳ در کار زراعت وارد شده اند رضا پسر دیگرم پس از اخذ دیپلم، جهت

یکی از سالهای قبل از انقلاب ۲۷۰۰ تن چغندر قند تولید کردم در یک سال دیگر نیز حدود ۱۰۰۰ تن (بیش از سه هزار خروار) گندم از مزرعه به دست آوردم (در ۴ منطقه زمین کشاورزی اجاره کرده بودم) که کمتر از ۵۰۰ تن آن به فروش رسید و چون تمامی هستی خانواده را در کشت گندم سرمایه گذاری کرده بودم، با نوشتن عریضه‌ای، نزد یک نفر از وکلای مجلس آن زمان رفتم و تقاضا کردم، ۵۰۰ تن گندم باقی مانده را که در حال نابودی است دولت و حتی با قیمت کمتری خریداری کند، ولی نماینده مجلس مرا طرد کرد و بر سرم فریاد زد، آن روز اشک در چشمانم حلقه زد، اما امسال که مجدداً هزار تن گندم تولید کردم، وزیر کشاورزی محبت فرموده، یکبار به دیدار مزرعه من آمد، یکبار هم قائم مقام وزارت کشاورزی از این مزرعه دیدن کرد و بنده از تمامی مسئولان وزارت کشاورزی متشکرم چون همین بازدیدها، موجب تشویق ما و سایر کشاورزان می شود.

به سادگی روبه من کرده می گوید: همه کشاورزان خوب هستند، آنها صادق، پرکار و کم انتظارند، اگر هم درخواستی می کنند، برای بذر، کود، سم، تراکتور و از این قبیل است و آن هم برای تولید. کلاً تشویق کشاورزان و جایزه گذاشتن برای تولید بیشتر بسیار مهم است. ادامه می دهد "من دوست ندارم به تنهایی، کشاورزی نمونه باشم. من می خواهم ۱۰ هزار کشاورز نمونه داشته باشیم. من می خواهم هر نفر حداقل ۱۰۰۰ تن گندم تولید کند، دولت محاسبه کند، خرید ۳/۵ میلیون تن گندم چند صد میلیون دلار هزینه دارد با دلارهای آن تراکتورهای دو دیفرانسیل، کود، سم، لوازم و قطعات یدکی، موتورآلات و پمپ آب، دستگاههای بذر کار گندم، لودر، گریدر، ماشین و کامیون وارد کند و به کشاورزی که متقاضی آن است تحویل بدهد، مسلماً اثرات آن در سال آینده مشهود می شود.

فرستی بود تا با همکاران حاج خیرالله صحبتی داشته باشیم.

آقای خیرالله فلاح با توجه به خانوادگی بودن فعالیت در مزرعه مسکین آباد، شما چه مسئولیتی به عهده دارید؟ برادرم موسی فلاح، به عنوان فرزند ارشد خانواده، در کنار پدر به سامان دهی امور و برنامه ریزی کشت می پردازد و من با توجه به حرفه قبلی ام (تراشکاری)

مسئولیت ماشین آلات و ادوات کشاورزی، تعمیر آنها و سرپرستی امور فنی در زمان کاشت را به عهده دارم.

رضا فلاح سومین فرزند آقای فلاح نیز امور اداری، تدارکات و بازرگانی فروش محصولات را سرپرستی می کند. رضا فلاح در تکمیل توضیحات دیگران می گوید:

دلیل عمده به نتیجه نرسیدن کشاورزان ایرانی و دست نیافتن به استانداردهای برداشت محصول در واحد سطح، علاوه بر کمبود نهاده‌ها، وجود تعدادی از ماشین آلات کشاورزی است که در جهان خارج از رده اعلام شده است و در حال حاضر کمتر کشاورزی در اروپا از تراکتورهای تک دیفرانسیل استفاده می کند.

چاپرهای دو ردیفه ذرت کلاس، فقط در سال جاری در منطقه کرج موجب قطع یا یا زخمی شدن ۱۰ کارگر شده است. در حالی که چاپرهای فعلی اروپا ۴ و ۶ ردیفه و موتور سرخود است و کار با آنها هیچ خطر ندارد. آخرین همکار مزرعه حسین فلاح است، که تا همین اواخر سر کلاس درس نشسته بود و امروز با طلوع آفتاب، در مزرعه آفتابی می شود. و در کارهای عمومی کشاورزی شرکت دارد.

حاج خیرالله فلاح، مشغول ادای توضیحات برای مقامات و مسئولین است که آمده اند تولید ۱۰۰۰ تنی وی را مشاهده و ارزیابی کنند، ما آخرین سئوالها را مطرح می کنیم:

آیا به مسافرت خارج از کشور رفته‌اید؟
- بله، به عربستان، رومانی، سوریه، ترکیه و آلمان غربی (سفر آلمان با کمک



وزارت کشاورزی و به عنوان تشویق انجام گرفت) عزیمت کردم.

حاصل بازدیدها چه بود؟

بسیار شرمناک، زیرا کشاورزی از جمله کارهایست که زارع با دیدن مزارع، نوع شخم زدن، نوع آبیاری و مسایل برداشت، می تواند آموزش زیادی ببیند. به همین جهت پیشنهاد می کنم دولت برای کشاورزان، برنامه‌های بازدید خارجی تحت عنوان "تورهای کشاورزی" ترتیب بدهد و با ارز دولتی یا حداکثر ارز صادراتی هزینه آن را تامین کند. این برنامه‌ها موجب فراگیری علوم تجربی در زراعت می شود.

آیا تاکنون از خارج کشور کارشناسانی برای بازدید و ارزیابی کار شما به ایران آمده‌اند؟

صرفاً به این منظور خیر، اما در سال گذشته یک هیات از فنلاندی‌ها از مزرعه خانوادگی ما بازدید کردند و از اینکه با چنین امکانات محدودی موفق به برداشت ۸ الی ۹ تن گندم در هکتار می شویم متعجب شدند. یکی از کارشناسان فنلاندی به من گفت: ماشین آلاتی که شما برای کشاورزی در سطح ۵۰۰ هکتار به کار گرفته‌اید، در فنلاند متعلق به زارعی است که ده الی ۱۵ هکتار زمین دارد. آنها پس از بازدید، طی نامه‌ای به وزارت کشاورزی، عملکرد ما را مورد تقدیر قرار دادند.

آقای فلاح، آیا پیامی برای مصرف کنندگان گندم و نان خوران مملکت دارید؟

حاج خیرالله دستهایش را به کوفه‌ای از گندم می زند، این غذای مردم است، من در سال ۱۳۶۳ با تولید ۵ تن گندم در هکتار کشاورز نمونه شدم، امسال با تولید ۸ تن و ۷۰۰ کیلو گندم و اگر بتوانم حداقل یک گریدر برای تسطیح اراضی و یک ماشین تراش برای انجام تعمیرات و تراش قطعات نایاب ادوات تهیه کنم، در سال دیگر ۱۰ تن گندم تحویل می دهم.

با قاطعیت می گوید، تعهد می دهم، دستم گرو این قول.

فلاح از اینکه مورد عنایت و محبت وزیر، معاونین و سایر مسئولان وزارت کشاورزی قرار گرفته است و تا حد امکان، نیازهای وی را برآورده کرده‌اند، خصوصاً از مسئولین اداره کل کشاورزی استان تهران، و مسئولین اداره کشاورزی کرج و هشتگرد و مسئولین ترویج ادارات ذیربط تشکر می کند.

